

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ
 أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾ يُقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ
 الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا
 خُسْرَىٰ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا
 لَنَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا ۖ فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا
 دُخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ
 عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ ۖ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْكَبُوا
 عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾
 قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا ۖ فَادْهَبْ
 أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي
 لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَآخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ
 الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً
 يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۖ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت‌هایی را که خدا به شما داده است به یاد آورید، آن‌گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم قرار داد و چیزهایی [نعمت‌ها] به شما داد که به هیچ یک از جهانیان نداده بود. ﴿۲۱﴾

ای قوم به زمین مقدس و پاک در آید؛ آن زمینی که خدا برای شما مقرر نموده است، و [از ترس ستمکاران] در بیکار با آنان به پشت خود رو برنگردانید و نگرزید که زیان کار می‌شوید ﴿۲۱﴾

گفتند: ای موسی در آن سرزمین گروهی زورمند و سلطه‌گر وجود دارند و ما هرگز در آن سرزمین در نیایم تا آنکه ایشان از آنجا بیرون روند، پس اگر آنان از آن سرزمین بیرون روند ما وارد خواهیم شد. ﴿۲۲﴾

دو مرد از کسانی که از مخالفت با خدا بیمناک بودند و خدا هم به ایشان نعمت ارزانی داشته بود، به قوم موسی گفتند: بر مردم آن سرزمین از دروازه [بتازید] وارد شوید، که اگر از آنجا وارد شوید قطعاً شما [بر آنان] غالب و چیره خواهید بود، و فقط بر خدا توکل و اعتماد نمایید اگر شما ایمان دارید. ﴿۲۳﴾

[بنی اسرائیل] گفتند: ای موسی ما هرگز در آن سرزمین در نیایم تا آن‌گاه که آنان در آن هستند، پس تو با پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید، ما در اینجا نشسته‌ایم. ﴿۲۴﴾

موسی گفت: پروردگارا من برای انجام دادن فرمان تو، جز اختیار خود و برادرم (هارون) را مالک و دارا نیستم، پس میان ما و این قوم نافرمان داوری کن و ما را در انجام فرمان خود یاری رسان. ﴿۲۵﴾

[خدا به موسی] فرمود: اینک چنین مقرر کردیم که بنی اسرائیل مدت چهل سال از ورود به آن سرزمین محروم باشند آنان در طول این مدت بر روی زمین سرگردان خواهند بود؛ نه چون شهرنشینان در شهری استقرار می‌یابند و نه چون صحرانشینان در بیابان زندگی می‌گذرانند. این کیفر آنان است، پس بر این تمردپیشگان از اینکه کیفر الهی را می‌چشند اندوه مخور. ﴿۲۶﴾



درس نهم

وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، پس از رحلت رسول خدا ﷺ



دانستیم که مسئولیت ولایت و حکومت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم از نسل ایشان جانشینی رسول خدا ﷺ را برعهده گرفتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند. البته پس از رحلت رسول خدا ﷺ حوادثی پیش آمد که باعث دور افتادن مردم از رهبری و هدایت امامان معصوم علیهم السلام شد. این مسئله شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی را در جامعه آن روز پدید آورد.

اکنون می‌خواهیم اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان پس از رسول خدا ﷺ و چگونگی برخورد مسلمانان با امامان علیهم السلام را بررسی کنیم.

در آیه شریفه زیر ببینید و به سؤالات پاسخ دهید :

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ
قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ
أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
إِنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ
وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ
فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا
وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ۱

و محمد نیست، مگر رسولی
که پیش از او رسولان دیگری بودند.
پس اگر او بمیرد یا کشته شود،
آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] بازمی گردید؟
و هر کس به گذشته بازگردد،
به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند
و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می دهد.

۱- خداوند چه هشدار می دهد؟

۲- آیا خطر بازگشت به ارزش های دوران جاهلیت فقط اختصاص به زمان پیامبر دارد؟

۳- به نظر شما، سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت، چه کسانی هستند؟

خلاصه ای از رخداد های عصر ائمه علیهم السلام

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برنامه ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم علیهم السلام با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت های خود شدند. فقط در یک دوره کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره حکومت به امام علی علیه السلام رسید و آن حضرت، در همین دوره کوتاه و با وجود مشکلات و جنگ هایی که با عهدشکنان و دشمنان داخلی داشتند، عالی ترین نمونه حکومت را عرضه کرد.

اما طولی نکشید که حکومت به دست بنی امیه افتاد. آنان کسانی بودند که سرسختانه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. پسر او، معاویه که جنگ صفین را علیه امیرالمؤمنین علیه السلام به راه انداخت، در سال چهارم هجری با بهره گیری از ضعف و سستی یاران امام حسن علیه السلام، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به سلطنت تبدیل کرد.

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۴۴.

معاویه، برخلاف تعهدی که به مسلمانان داده بود، یزید را جانشین خود قرار داد؛ شخصی که از هیچ کار زشت و ناپسندی ابایی نداشت؛ احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و سخره می‌گرفت، آشکارا شراب می‌خورد، سگ‌بازی و میمون‌بازی می‌کرد و با همان سگ و میمون، وارد مجالس می‌شد و آنها را کنار دست خود می‌نشاند. همین شخص، نوۀ گرامی پیامبر، امام حسین علیه السلام و یارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خانوادهٔ ایشان را که نوادگان پیامبر بودند، به عنوان اسیر، در شهرها گرداند.

فیلم (۱): روزی که یزید در سوگ بوزینه اش نشست!

فعالیت کلاسی ۱

با همفکری دوستان خود بگویید چه عواملی باعث شد که بعد از گذشت پنجاه سال از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، نوۀ ایشان یعنی امام حسین علیه السلام این گونه توسط امت پیامبر به شهادت برسد؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنرانی‌های متعدد، بارها مسلمانان را نسبت به ضعف و سستی‌شان در مبارزه با حکومت بنی‌امیه بیم می‌داد^۱ و می‌فرمود: «سوگند به خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، آن مردم [شامیان] بر شما پیروز خواهند شد؛ نه از آن جهت که آنان به حق نزدیک‌ترند بلکه به این جهت که آنان در راه باطلی که زمامدارشان می‌رود شتابان فرمان او را می‌برند و شما در حق من بی‌اعتنایی و کندی می‌کنید. به خدا سوگند، این مطلب، قلب انسان را به درد می‌آورد که آنها در مسیر باطل خود این چنین متحدند، و شما در راه حق، این گونه متفرق و پراکنده‌اید».^۲ آن حضرت آیندهٔ سرپیچی از دستورات امام و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوار شدن بنی‌امیه بر تخت سلطنت بود، می‌دید و آنان را از چنین روزی بیم می‌داد:

«به خدا سوگند، بنی‌امیه چنان به ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند جز آنکه حلال شمارند... تا آنکه در حکومتشان دو دسته بگریند: دسته‌ای برای دین خود که آن را از دست داده‌اند و دسته‌ای برای دنیای خود که به آن رسیده‌اند».^۳

پس از سقوط بنی‌امیه، حکومت به دست بنی‌عباس افتاد. آنان با اینکه خود را از عموزادگان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی‌امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی‌امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از چیزی فروگذار نکردند، به گونه‌ای که اگر تحوّل معنوی و فرهنگی ایجاد

۱- برخی از این سخنرانی‌ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است. از جمله در خطبه‌های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۷. حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین ضروری نیست.

۳- نهج البلاغه، قسمتی از خطبهٔ ۹۸.

شده در عصر پیامبر ﷺ و دو میراث گران قدر آن حضرت - قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی ماند.^۱

مشکلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی پس از رسول خدا ﷺ

مهم ترین چالش های عصر ائمه علیهم السلام که نتیجه دوری از راه و رسم ترسیم شده از سوی پیامبر و جانشین ایشان بود، عبارت بودند از:

۱ - ممنوعیت نوشتن احادیث پیامبر اکرم ﷺ

مسلمانان برای سخنان رسول خدا ﷺ اهمیت خاصی قائل بودند؛ برخی از آنان سخنان آن حضرت را می نوشتند و پیامبر نیز به مسلمانان برای نوشتن سخنان خود توصیه کرده بود.^۲ اما پس از رحلت رسول خدا ﷺ، سفارش آن حضرت را نادیده گرفتند و نوشتن احادیث آن حضرت را ممنوع کردند. به همین جهت، کسانی که به این احادیث علاقه مند بودند، فقط می توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، نتایج نامطلوبی داشت؛ از جمله اینکه: (الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم شد.

(ب) شرایط مناسب برای جااعلان حدیث پیش آمد و آنان براساس غرض های شخصی به جعل یا تحریف حدیث پرداختند، یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

(ج) بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره ماندند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت دادند و گرفتار اشتباهات بزرگ شدند.

با اینکه سال ها بعد، منع نوشتن حدیث پیامبر ﷺ برداشته شد و حدیث نویسی رواج یافت، اما به دلیل عدم حضور اصحاب پیامبر ﷺ در میان مردم، به دلیل فوت یا شهادت، احادیث زیادی جعل یا تحریف شد به طوری که احادیث صحیح از غلط به سادگی قابل تشخیص نبود.

نکته مهم: البته این اوضاع نابسامان حدیث، تا حدود زیادی برای پیروان ائمه علیهم السلام پیش نیامد؛ زیرا ائمه علیهم السلام احادیث پیامبر را حفظ کرده بودند و شیعیان، این احادیث را از طریق این بزرگواران که انسان هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا ﷺ معتبر و موثق بود، به دست آوردند و به همین جهت، در نقل احادیث کمتر دچار اشتباه شدند.

۱- برای مطالعه بیشتر به کتاب های فروغ ابدیت و فروغ امامت از آیت الله جعفر سبحانی و نقش ائمه در احیای دین علامه عسکری مراجعه کنید.

۲- تدریب الراوی، سیوطی، ج ۲، ص ۶۶.

اگر می‌خواهید اطلاعات بیشتری درباره علت ممنوعیت نگارش احادیث پیامبر ﷺ و زمان پایان یافتن این ممنوعیت کسب کنید، به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید.

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به بنی‌امیه و بنی‌عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به کتاب‌های تاریخی و تفسیری راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به نفع آنان بود و قدرت آنان را تقویت می‌کرد. برخی از دنیاطلبان، برای نزدیکی به این حاکمان، احادیثی از قول پیامبر اکرم ﷺ جعل می‌کردند و از حاکمان جایزه می‌گرفتند.

فیلم (۲): نمونه‌ای از یک تحریف 

بیشتر بدانیم

نمونه‌ای از احادیث جعلی

کعب الاحبار از علمای یهودی تازه مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاوت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر کارهای آنان شد. حکام اموی که سرگرم جمع‌آوری ثروت و ساختن کاخ‌های با شکوه بودند، وقتی با اعتراض مردم روبه‌رو می‌شدند، به کعب الاحبار روی می‌آوردند.

به عنوان نمونه، روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟» وی گفت: «حتی اگر تک‌تک آجرها [ی خانه‌اش] هم از طلا و نقره باشد، هیچ چیز دیگری بر او واجب نیست». ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت‌اندوزان دفاع می‌کند از

شدت خشم و بدون ترس از حاکم، فریاد برآورد :

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست تر از سخن تو نیست که می فرماید : آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذابی دردناک بشارتشان ده؟»^۱

همین کعب الاحبار، به دستور معاویه احدیثی جعل کرد که نشان دهد سرزمین شام که محل حکومت معاویه بود، از سرزمین مکه و مدینه نزد خداوند برتر است؛ مثلاً نقل می کرد : «محبوب ترین سرزمین ها در پهنه زمین، نزد خداوند، شام است و محبوب ترین نقطه شام، نزد خداوند، قدس می باشد»^۲.

همچنین نقل می کرد که «خداوند نه دهم خیر و برکت خود را در شام قرار داده و یک جزء باقی مانده را در تمام نقاط زمین تقسیم کرده است»^۳. چون او اصالتاً یهودی بود، می کوشید در روایاتی که جعل می کند، بیت المقدس را برتر از کعبه نشان دهد؛ مثلاً از پیامبر نقل می کرد : «کعبه هر روز صبحگاهان بر بیت المقدس سجده می کند»^۴.

۳- ارائه الگوهای نامناسب

عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله رو شخصیت های برجسته جامعه هستند و آنها را اسوه قرار می دهند. اگر این الگوها صاحب کمالات و ارزش های الهی باشند، مردم نیز به نسبت همت و استعداد خود از این ارزش ها بهره مند می شوند و اگر آنها به سوی زشتی ها بروند، بیشتر مردم دنباله روی آنان خواهند بود. در آن زمان که رسول خدا ﷺ اسوه مردم بود، انسان های آزاده، با ایمان و شجاعی چون امام علی علیه السلام، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می گرفت، حاکمان وقت تلاش می کردند که شخصیت های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر ﷺ را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و راهنمای مردم معرفی کنند.

۱- سوره توبه، آیه ۳۴.

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۳۶.

۳- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱۰، چاپ دمشق.

۴- همان، ص ۱۴۷.

۵- الدر المنثور، سیوطی، ج ۱، ص ۱۳۶.

نمونه‌هایی از الگوی نامناسب از جمله افرادی که در حکومت بنی‌امیه به عنوان الگو به مردم معرفی می‌شدند، کعب الاحبار و ابوهریره بودند. این دو پس از پیامبر، به خصوص در دوره بنی‌امیه به عنوان شخصیت‌های مطرح در نقل حدیث معرفی شدند.

معاویه درباره کعب الاحبار می‌گفت: «بدانید که کعب الاحبار یکی از دانشمندان است».^۱ ابوهریره هم به شدت طرفدار معاویه بود. از این رو، به ثروت و مقام بالایی رسید و معاویه او را امام جماعت و حاکم مدینه کرد. در مقابل ابوهریره نیز روایات متعددی را در مدح او بیان می‌کرد؛ روایاتی که در تضاد با آیات قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ بود به عنوان نمونه می‌گوید:

«از پیامبر شنیدم که می‌گفت خداوند امانت وحی را به سه نفر سپرد: من، جبرئیل و معاویه».^۲ ساخت فراوان این گونه روایات سبب شد که امام علی علیه السلام او را به دلیل دروغ‌گویی نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نکوهش کند.^۳

۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم حکومتش را بر پایه عدل بنا کرد و اعلام نمود که همه انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست.

پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت‌های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت قرب و منزلت یافتند.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز، به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیانسان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند و خزائن خود را از جواهرات گران‌قیمت انباشته کردند. این تغییر مسیر، جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به جامعه‌ای راحت طلب و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار علیهم السلام با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند و نتوانند مردمان آن دوره را با خود همراه کنند.

۱- الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۲، ص ۳۵۸.

۲- البداية و النهاية، ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۲۰.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۶۸.

به نظر شما آگاهی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه علیهم السلام چه فوایدی برای زندگی امروز ما دارد؟

بیشتر بدانیم

معاویه، پس از فتح شام در زمان خلیفه دوم، به فرمانروایی شام گماشته شد. و مردم شام اسلام را از او آموختند. او در مدت ۲۳ سال نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۱ سال آن را به مبارزه با اسلام و دشمنی با پیامبر سپری کرد و در جنگ‌های متعدد علیه مسلمانان، به همراه پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار، جزء فرماندهان جنگ بود. بعد از رسیدن به قدرت در شام، اولین حاکمی در اسلام بود که برای خود کاخ ساخت و بر تخت نشست و تاج بر سر نهاد. گویند هزینه کاخ او به اندازه ارزش ۱۸ مرکب بار طلا بوده است. ابوذر که از یاران بزرگ پیامبر بود و به دمشق تبعید شده بود، به معاویه گفت: «اگر این کاخ را از مال خدا می‌سازی، خیانت کرده‌ای و اگر از مال خودت است، اسراف است».

ظرف‌های کاخ معاویه از طلا و نقره بود، لباس‌های حریر می‌پوشید و بر اسبی که زین آن طلاکاری شده بود، می‌نشست. خانواده‌اش نیز لباس‌های زربافت می‌پوشیدند. در یکی از سفرهایش به مدینه، ۱۵ مرکب با رواندازهای ارغوانی‌رنگ در پی‌اش روان بودند که بر هر یک کنیزی نشسته بود. وقتی اشراف و سران مدینه نزد وی آمدند، به هریک از آنها ۱۰ تا ۱۰۰ دست از جامه‌های مخصوص خود را بخشید.

تاجی داشت که با گذشت هر سال از حکومتش، گوهری به آن می‌افزود. او همواره شراب می‌نوشید و شترهای ویژه‌ای برای حمل شراب داشت. یکی از سرگرمی‌های او دعوت از زنان آوازه‌خوان و شنیدن آوازهای آنان بود. هنگامی که خبر شهادت امیرمؤمنان علیه السلام را شنید، بر تخت تکیه زده بود، با شنیدن این خبر به سرعت نشست و گفت: کنیز! آواز بخوان که امروز چشمم روشن شد.^۱

۱- احسن التفاسیر فی معرفة الاقوالیم، محمد بن احمد مقدسی، ص ۱۶۰؛ مروج الذهب، ج ۳، صص ۱۵ و ۳۱ و ج ۱، صص ۳۳۳ تا ۳۳۶؛

الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۲۵۸.

- ۱- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم ﷺ آماده کرد؟
- ۲- تفاوت‌های اساسی حکومت بنی امیه و بنی عباس با رهبری پیامبر ﷺ چه بود؟

پیشنهاد

با مطالعه یکی از کتاب‌های زیر عواملی را که سبب حاکمیت کسانی چون معاویه و یزید بر مسلمانان شد استخراج کنید و در کلاس گزارش دهید.

الف) حماسه حسینی، استاد شهید مرتضی مطهری
 ب) تاریخ سیاسی ائمه ﷺ، جواد محدثی
 ج) تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان
 د) سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی
 ه) پس از پنجاه سال، دکتر سیدجعفر شهیدی

معرفی کتاب

منابع برای مطالعه بیشتر

فایل پی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

مخاطب	انتشارات	نویسنده	نام کتاب
معلم/ دانش آموز	مؤسسه ایمان جهادی	سیدعلی خامنه‌ای	انسان ۲۵۰ ساله
معلم/ دانش آموز	مؤسسه امام صادق <small>علیه السلام</small>	مهدی پیشوایی	سیره پیشوایان
معلم/ دانش آموز	دلیل ما	رسول جعفریان	تاریخ خلفا

